ققنوس فقاهت

پدید آورنده : خادم حسین فاضلی ، صفحه 12

اشاره:

بزرگانِ، فقها و مراجع شیعه حق فراوانی بر گردن حوزه های علمی و طلّاب علوم دینی دارند؛ زیرا جاودانگی، سرافرازی، آبرو و استقلال حوزه های علمی شیعی در پرتو ایثار، اخلاص و فداکاریهای آنان به وجود آمده است؛ همان بزرگان علم و عمل و اسوه های اخلاق و عرفان که با کوششهای بی بدیل و جان فشانیهای مخلصانه، حوزه های علمیه و مراکز فرهنگی تشیع را در مقابل شبیخون مخالفان و تهاجمهای خانمان برانداز دشمنان حفظ نمودند.

آری اینان با پایداری تا پای جان، از مال، مقام و زندگی گذشتند تا درخت تنومند و ریشه دار فرهنگ اهلبیت (علیهم السلام) برای همیشه پایدار بماند. در این میان، زندگی نامه، شخصیت و شهادت شهید ثانی گواه صادق بر این مدعاست. هرچند که مخالفان وجود مادی، افرادی مانند شهید اوّل، دوّم، سوّم، چهارم و... را در ظاهر از میان برداشتند، امّا فعالیّت حوزه های شیعه به خاطر استحکام پایه های علمی، فکری و فرهنگی وابسته به فرهنگ پویای اهل بیت و نیز به جهت اخلاص، تقوا، هدفمندی، پایداری و پاکی متولیان شان، پر شور و سرافراز ادامه یافت.

نوشتار ذیل به گوشه هایی از زندگی و شخصیت اسوه دانش، پایداری، زهد، سلوک و اخلاص، شهید ثانی، اشاره دارد، بدان امید که طلاّب و ره پویان دانش دینی با جایگاه والا و شخصیت علمی وی و نیز اهمیت آثار گران سنگ آن عالم عالی مقام آشنا شوند.

خاستگاه تربیتی شهید ثانی

زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی، معروف به شهید ثانی در سیزدهم شوال سال 911 ه . ق در جبل عامل لبنان، دیده به جهان گشود. وی در یکی از روزهای جمعه در ماه رجب 966 ه . ق در «قسطنطنیه» به فیض شهادت نایل گردید. اجداد و نیاکان او از علمای ربّانی بودند و فرزندان او نیز در آسمان تاریخ و فرهنگ دینی خوش درخشیدند.

شهید ثانی در خاندانی پرورش یافت که به فضل، تقوا و نیک نامی، مشهور بودند. پدرش امام نورالدین روحانی برجسته زمان خویش به شمار می رفت، و اجداد او همگی از دانشوران و فضیلت یافتگان دوران، محسوب می شدند. وی در خانواده ای دیده به جهان گشود که کانون دانش و کرامت بود، و فقه و بینش دینی فضای آن را عطرآگین و روح افزا ساخته بود. بدین لحاظ اصالت دینی و علمی نیاکان بزرگوارش در تکوین شخصیت علمی، و اخلاقی او تأثیری ژرف گذاشت.

شهید در دانشهایی چون فقه، حدیث، کلام، تفسیر، اخلاق، عرفان و... استاد بود و تا واپسین لحظه های زندگی و رخداد شهادت، هرگز از پژوهش، تدریس و تدوین آثار در زمینه های گوناگون دست بر نداشت و از کوششهای خستگی ناپذیرش در راه نشر فرهنگ دینی، لحظه ای باز نایستاد.

همگام با پدر

از دوران کودکی، آثار نبوغ و هوش سرشار، در گفتار و رفتار شهید به چشم می خورد. او دروس مقدمات را از پدر فرا گرفت. همزمان با یادگیری قرائت قرآن کریم، به فراگیری ادبِ عرب و فقه همت گماشت، و همراه با فراگیری علوم مقدماتی، عشق به معنویات و عرفان را، در جان خود جای داد و در جوانی با راههای کمال آشنا گردید و پلکان قرب الهی را یکی پس از دیگری پشت سر نهاد. اندیشه ژرف بین او مرهون همین دوران طلایی است.

سفرهای علمی

شهید ثانی در سال 925 ه. ق پدر را از دست داد، ولی این حادثه کم ترین مانعی در اراده او برای ادامه تحصیل وارد ننمود. عشق به فراگیری دانش و کمالات معنوی، او را زینت و زیور دین کرد، به گونه ای که در این راه، همه سختیها را به جان خرید و به منظور کسب دانش به مسیس، کرک نوح، دمشق، مصر، مکّه، مدینه، بیت المقدس، حلب، بلاد روم شرقی، قسطنطنیه، شهرهای عراق و دیگر اقالیم سفر کرد و دانشهای رایج حوزه ها را از اساتید برجسته آموخت و سرآمد عالمان دوران خویش گردید.

مرحوم علامه امینی درباره وی می نویسد:

«او گوهران نفیس روزگار و دریای بیکران دانش، زیور دین و آیین، استاد فقیهان بزرگ، (و) دانشمندی (است) که در فلسفه و عقیده شناسی، فقه و اصول، شعر و ادب، علوم طبیعی و ریاضیات دست داشت. شهرت عالم گیرش کافی است که مقامش را بنماید و ما را از هر گونه تعریف بی نیاز سازد. خلاصه آن که هر تمجید که از وی بر زبان آید، کوچک تر از مقام اوست و هر توصیف، نارساتر از حدّ وی، خداوند به خاطر خدمات ارزنده ای که نموده و خرمنهای علمی که ارزانی داشته به او پاداش نیکو دهد...»

تألیفات گرانسنگ

شهید به علاوه هوش خارق العاده، ذهن وَقّاد، ذوق سلیم، اندیشه عمق، زیبایی و رسایی نوشتار، تحقیقات ژرف و گسترده درباره فقه، معارف دین، کلام، تفسیر، حدیث، اخلاق، عرفان و... دارد.

کتابهای این شخصیت وارسته از نظر دقت، وضوح، بلاغت و ذوق هنری، در درجه اعلا قرار دارد، خامه هدایتگر شهید همراه با دانش وسیع، تفکر نیرومند، خرد بیدارگر، بلاغت سحرآمیز، شور اصلاح و هدایت گری، برای همیشه پرتوافشانی دارد. آثار وی در دانشهای گوناگون دینی در حدود هفتاد اثر وزین و گرانسنگ می باشد که هر یک نظر دانشمندان را به خود معطوف می سازد.

«او در مکاتب فقهی مذاهب پنجگانه اسلامی اندوخته های گران بهایی را فراهم آورد و با مسافرتهایی که به کشورهای اسلامی داشت از زبده ترین دانشمندان بهره جست و گامهای بلندی در پهنه علوم مختلف برداشت که ثمره آن آثار پر ارزشی است که از او به جای مانده است»

این دانشمند عالی قدر با این که اکثر اوقات شریف خود را در حل امور دینی و اجتماعی مردم صرف می کرد، در عین حال با امداد غیبی مؤید بود و توانست آثار فراوانی در علوم گوناگون به یادگار گذارد، به گونه ای که پاره ای از آثار وی به صورت متون درسی درآمده است که همه از عمق اندیشه، روانی بیان، چینش صحیح مطالب و حسن سلیقه در ترتیب مباحث برخوردارند.

همه آثار شهید محدود به استفاده دانشمندان نیست، بلکه بعضی کتب ایشان برای توده مردم که بضاعت علمی کمی دارند نیز قابل استفاده است. اگر چه در حدود هفتاد تألیف برای شهید نام برده شده است ولی علامه امینی از قول نویسنده «امل الامل» می نویسد:

«وی دو هزار کتاب از خود به یادگار نهاد که دویست کتاب از مؤلفات خودش و دیگران به خط مبارکش تدوین گردیده است».

مجموعه تألیفات شهید از نظر تاریخ تدوین از «روض الجنان» آغاز و به «الروضه البهیه» پایان می یابد. هر کدام از این آثار بوستانی است که پژوهش گران دانشهای دینی را با مناظر دل انگیز خود به نشاط می آورد، تا گمشده اش را در آنها جست وجو نموده، بیابد.

ذوق شعری

آدمهای با فضیلت، معمولاً از ذوق و هنر، سلیقه های ادبی و شناخت ظرافتهای کلامی، بی بهره نیستند. بهره وری از ذوقهای هنری و شعری در راه گسترش فرهنگ دینی و نهادینه نمودن آموزش مکتبی، بسیار ارزشمند است. چنین ملکه ای برای عالمی دینی مانند شهید دوّم، در جهت نشر فرهنگ اسلامی اهمیت فراوانی داشت. وی از ذوق هنری خود استفاده شایانی برده است که نمایان گر فزونمایگی ادبی، اوج گیری تخیل و توانایی گسترده بر آفرینش سخنان منظوم می باشد. اشعار شهید دارای تعبیرهای روان، مطالع زیبا، شیوایی بیان و خالی از به کارگیری واژه های نامأنوس است؛ به عنوان نمونه، آن گاه که وی در سفر مژده یافت خداوند فرزندی به وی عنایت نموده است، دو بیت زیر را سرود:

و قد منّ مولانا الکریم بفضلهعلیکم بمولود غلام من البشر

فیارب متعنا بطول بقائهواحیی به قلبا له الوصل قد هجر

عالم راستین

در هر صورت، شهید ثانی، دانشمند راستینی بود که دانشمندان دیگر فریفته او می گردیدند. به گفته «ابن العودی»:

«هر بیننده ای که به چهره اش می نگریست و بیان دلنشین وی را می شنید، حاضر نبود از او جدا شود، از گفت وشنود وی از هر غمی آزاد می گردید، چشمها از مهابتش سرشار می شد و دلها در برابر معنویتش به نشاط می آمد سوگند به خدا که او برتر از آن اوصافی بود که من از آنها یاد کردم».

خدمات دینی و مردمی

شهید ثانی پاسدار اسلام و فرهنگ تشیع بود، که در راه شناساندن حکیمانه مذهب و فقه شیعه در دنیای پر آشوب آن روز، گامهای بلندی برداشت و به منظور تحقق بخشیدن به آرمان والای دین طلبی و مذهب مداری، کوششهای بی شماری نمود. زندگی علمی، رفتار و منش والای او برای همگان درس بزرگی است.

آن عالم ربّانی پس از تکاپوی دامنه دار خویش در حوزه های شیعه و سنی و رسیدن به مقام اجتهاد، روانه «بعلبک» شد، و سالیانی را در آن سامان گذراند و با خویی مردمی اسلامی، منشاء آثار و خدمات فرهنگی و اجتماعی زیادی برای تشیع و تسنّن گردید. شهید، بر مبانی فقهی هر کدام از مذاهب جعفری، حنفی، شافعی و حنبلی، تسلط کامل داشت، و بر اساس تمام مذاهب فوق تدریس می نمود...، وی بر مبنای اعتقادات و فقه مذاهب، تدریس تطبیقی را در این شهر بنیان نهاد؛ توده مردم، هر کدام مطابق مذهب خویش، پاسخ استفتاهای خویش را از محضر او دریافت می کردند.

بدین سان بعلبک از مراکز مهم علمی گردید و علما از بلاد اسلامی آهنگ آن دیار می نمودند. ابن العودی در این باره می نویسد:

«در این ایام، من در خدمت شهید ثانی به سر می بردم [ایشان] در این زمان، مرجع عامه مردم به شمار می رفت، تا وقتی که در آن جا بود مقصد و مقصود همگان بود. من او را در قله رفیعی از موقعیت علمی و اجتماعی و به صورت مرجع و پناهگاه مردم احساس می کردم که به هر فرقه - مطابق مذهب آنها - فتوا می داد و کتب مذاهب مختلف اسلامی را تدریس می نمود. همه مردم شهر، مطیع و منقاد او بودند، و او به عنوان مراد آنها به شمار می رفت. بازار علم، در این دیار بر وفق مراد بود و رو به رونق می گذاشت، فضلاء از دورترین نقاط به وی مراجعه می کردند... و بالاخره ایام اقامت شهید ثانی در بعلبک همچون روزهای عید و شادی مردم آن دیار تلقی می شد».

اخلاق صنفی شهید

دین اسلام دستورات اخلاقی بسیار مهمی دارد. رسول اکرم فرموده است: «من برای کامل نمودن مکارم اخلاق مبعوث گردیده ام». بنابراین باید آثار اخلاق در هر فرد و در کل جامعه دینی، به خوبی نمایان باشد. به جز اخلاق عمومی که بر هر فرد مسلمان، لازم است آن را رعایت کند، انضباط های اخلاقی دیگری نیز در اسلام برای بعضی اقشار بیان گردیده که آن را اخلاق صنفی می نامند. مراعات چنین اخلاق خاص برای عالمان دینی یا کسانی که در پی کسب دانش اند، در رابطه با تحصیل، تدریس، مناظره، مقام تحقیق و... ضروری است.

بدون شک وظیفه اهل علم در این باره از وظایف مردم دیگر سنگین تر است. شهید ثانی، همان گونه که خود از اخلاق والای اسلامی و انسانی برخوردار بود، در مقام تدوین و تبیین اخلاق صنفی نیز موفق بود و کتاب آموزشی منیه المرید وی شاهد صادق این مدّعاست.

جایگاه عملی شهید

شهید ثانی از معدود بزرگانی است که همه ابعاد وجودی خود را رشد و تعالی بخشید؛ خواسته های نفسانی را قلع و قمع کرد و جانش را به زینت اخلاص آراست و با مراقبت گفتار و رفتار خویش، رضای پروردگار را در تاروپود لحظه های عمر خویش تجلی بخشید، تمام زندگی او، تبلور عشق به خدا و تلاش در گسترش حق بود، چنان که در مقدمه شرح لمعه دمشقیه آمده است که:

«فقد کان الشهید من المعدودین من اولیاء اللّه المقربین و ممّن وفقّ لتهذیب نفسه و تکمیلها، و التغلب علی عوامل الشهوه و الهوی و الطاغوت فی نفسه و الاخلاص للّه تعالی... و کانت لیالیه عائره بذکر اللّه و استغفاره و الصلاة له و تسبیحه و نهاره عامر بالدراسة و التألیف و التعرّض لحاجات الناس و ارشادهم... فکانت حیاته کلّها حلقات متصلّه من العمل و الدراسة و العبادة و الجهاد فی سبیل اللّه...»

آری شهید در حوزه عمل و سلوک روحی، با رسیدن به روح عبادت و ربّانی کردن جان خویش، به آن سوی عالم ماده پای نهاد و با پرواز در آفاق ملکوت، به مقامات و اسراری دست یافت و باطن عالم را شهود کرد. این عارف سالک مورد عنایت پیامبر اکرم قرار گرفت و در عالم خواب، حضرت او را به مقاماتی تشرّف داد و با آن تشرّف قله قرب را طی نموده و تالی تلو معصومین گردید. صاحب روضات الجنات می نویسد:

«تا این زمان، از دانشمندان بزرگ کسی را به عظمت شأن و ظرفیت اخلاقی و خوش فهمی و قدرت اراده و حسن سلیقه و راست روی، نظم تحصیلی... ظرافت طبع و لطافت هنر و معنویت سخن و کمال و تألیف، همانند وی نیافته ام؛ حتی در تخلق به اخلاق الهی چیزی نمانده که به پای معصومان برسد...»

بدین طریق، شهید مرزبان بیدار تشیع بود که با دانش وسیع و اخلاق کم نظیر، به درون دیگران نفوذ کرد و بُن مایه های فرهنگ شیعی را در پیکر جان و اندیشه آنان تزریق کرد.

نوشیدن جام شهادت

در دوران «آل بویه» تشیع به اوج عزت خود رسیده بود. شیعیان با تمام توان مکتب خویش را تقویت نموده و مردم را با عنایت وافر به مذهب اهلبیت (علیهم السلام) دعوت می کردند و مکتب فقهی قم و ری، از توجه ویژه خاندان آل بویه برخوردار بود.

در زمان صفویه نیز با همت عاشقان اهلبیت، شیعه در گسترش بود. از این رو بدین خاطر امپراطور عثمانی در بیم و هراس شد، در نقاطی که در سیطره عثمانیها قرار داشت، جاسوسان افراد را زیر نظر گرفتند؛ مراقبتها نسبت به شیعه و شهرهایی که در گذشته حکومت شیعی در آنها سامان یافته بود، مانند «حلب» بیش تر اعمال می شد.

شهید ثانی در بعلبک حلقه بزرگی از دانشمندان و دوستان فضیلت را دور هم آورد، و برای هر فرقه مطابق مذهب خودشان، تدریس نموده و فتوا می داد. این نهضت علمی خوشایند عثمانیها نبود، لذا تلاش ورزیدند تا از نفوذ این جنبش به نقاط دیگر جلوگیری کنند. در احسن التواریخ آمده است:

«شهید ثانی تنها به واسطه ترس و بیم حکومت از شخصیت برجسته اش و اقبال مردم به وی و تدریس فقه شیعی در کنار تدریس آراء مختلف فقهی دیگر، به شهادت رسید.»

شهید ثانی در آن فضای غبارآلود، حیات خویش را در راه بسط و ترویج معارف اهل بیت (علیهم السلام)، وقف کرد و در راه نشر اسلام از چیزی واهمه نکرد و چونان کوه سینه خود را سپر حوادث قرار داد.

نفوذ مردمی، اندیشه پولادین و تلاش بی امان او خواب را از چشم مخالفان ربود، از این روی دانشمند نمایان حسود و مقام طلب، از هر فرصتی بهره جستند تا او را به شهادت برسانند.

قاضی «صیدا» به سلطان وقت نوشت که در بلاد شام، دانشمندی رافضی است که نسبت به مذاهب چهارگانه اهل سنت بدعت گذارده و دست در کار نشر عقاید خود می باشد. پادشاه فردی را برای دستگیری شهید ثانی مأمور کرد. وی در پنجم ربیع الاول 965 هجری در مکّه معظمه، از میان مسجد الحرام دستگیر شد و مدت چهل روز در یکی از خانه های مکّه، زندانی گردید؛ پس شهید را از راه دریا به قسطنطنیه بردند، و در همان سال او را شهید کردند و پیکرش سه روز مانند بدن مولایش حسین (علیه السلام) بر زمین ماند، آن گاه آن را به دریا انداختند.

پیشگویی شهید

پدر شیخ بهایی می گوید: روزی بر شهید ثانی وارد شدم، او در فکر فرو رفته بود، علت را جویا شدم، فرمود: برادرم! گمان دارم که دوّمین شهید باشم؛ زیرا در عالم رؤیا سید مرتضی را در خواب دیدم که مجلس مهمانی تشکیل داده و علمای امامیه در آن شرکت داشتند، وقتی من وارد شدم، علم الهدی به من تهنیت گفت و دستور داد تا در کنار استاد (شهید اول) بنشینم.

آری این شخصیت بزرگ مانند شهید اول، در راه دفاع از حریم اهلبیت به شهادت رسید. علامه امینی می گوید: هنگامی که شهید از نقطه ای در استانبول عبور می کرد، فرمود: به همین زودی شخص عالی قدری در این مکان کشته می شود این پیش بینی او به واقعیت پیوست وی دیری نگذشت که در همان نقطه به شهادت رسید.

بدون شک این پیش گویی بیانگر مقام قرب و حالات خارق العاده آن عالم والا مقام می باشد.

هر چند که طاغوت زمانه به مدد سعایت و حسادت بدخواهان دنیاپرست چنین وجود پاکی را به شهادت رساند، ولی گذشت روزگار شخصیت او را به فراموشی نسپرد، بلکه او زنده جاویدی است که دوستی او در دل عاشقان اهل بیت جای دارد کتاب ها و آثار وی همیشه چراغ راه دلدادگان حق پیشه است، یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

پی نوشت ها:

1. محمد باقر حجتی، اسلام در کنار داغدیدگان، تهران، رشد، 1373، صفحه 19.

2. مجله حوزه، سال ششم، شماره چهارم، قم، دفتر تبلیغات، صفحه 113-114.

3. محمد باقر حجتی، پیشین، صفحه 19.

4. همان، ص 20.

5. مجله حوزه، پیشین، ص 114.

6. جلال الدین فارسی، شهیدان راه فضیلت، روزبه، سوّم، 1362، ص 231.

7. همان، ص 230-231.

8. محمد باقر حجتی، پیشین، ص 17-18.

9. همان، ص 36.

10. علامه عبدالحسین امینی، شهداء الفضیله، طبع نجف، 1355 ص 134 و آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، ص 11.

11. مرحوم علامه امینی در کتاب گران ارج، شهداء الفضیله نمونه هایی از اشعار شهید را آورده است.

12. مجله حوزه، پیشین.

13. محمد باقر حجتی، پیشین، ص 30.

14. مجله حوزه، پیشین، ص 114-115.

5 1. ملاّ محسن فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج 4، تهران، مکتبة الصدوق، ص 121.

6 1. شرح لمعة دمشقیه، ده جلدی، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثانیه، ج اول، ص 150.

17. علامه عبدالحسین امینی، شهداء الفضیله، پیشین، ص 135.

8 1. جلال الدین فارسی، شهیدان راه فضیلت، پیشین، ص 237.

19. همان.

20. محمد باقر حجتی، اسلام در کنار داغدیدگان، پیشین، ص 57.

21.- جلال الدین فارسی، شهیدان راه فضیلت، پیشین، ص 236.

22. محمد باقر حجتی، ترجمه منیه المرید شهید ثانی، ص 12.